

فصلنامه علمی - تخصصی اسلام پژوهان  
سال پنجم، شماره ششم، بهار ۱۳۹۷

## تحقیقی پیرامون تعداد انبیای الهی ﷺ

محمد باوی پور\*

### چکیده

در منابع اسلامی شمار انبیاء الهی ﷺ متفاوت بیان شده است و چهار رقم از تعداد انبیاء ﷺ گزارش شده است.

عدد مشهور ۱۲۴۰۰۰ نفر است که در این مقاله ضمن بررسی اسناد این روایات، نظر مشهور، مورد بررسی قرار گرفته و با پذیرش عدد مشهور، به این مسئله که چگونه این تعداد زیاد در فاصله زمانی میان حضرت آدم ﷺ تا پیامبر خاتم (صلی الله علیه و آله) ظهور یافتند، پاسخ داده شده است که این خود بیان گر اهمیت تبلیغ دین است. اصناف پیامبران از جمله نکات دیگر این مقاله است که در جای خود به آن پرداخته شده است.

کلیدواژه‌ها: انبیاء، تعداد انبیاء، اصناف انبیاء، ۱۲۴۰۰۰.

---

\* دانش پژوه سطح سه رشته تاریخ اهل بیت ﷺ، مؤسسه آموزش عالی حوزوی امام رضا ﷺ و طلبه حوزه علمیه قم، mbavi2008@yahoo.com

## مقدمه

تاریخ ادیان شاهد ظهور پیامبران متعدّد در جوامع مختلف است که اصل آن یقینی و غیرقابل تردید است اما تعداد پیامبران مورد اختلاف است. دیدگاه معروف در اسلام، شمار پیامبران را ۱۲۴۰۰۰ نفر نشان می‌دهد. در ادیان دیگر مانند مسیحیت و یهودیت عددهای متفاوتی بیان شده است.<sup>۱</sup>

## شمار انبیاء ﷺ در منابع اسلامی

قرآن به این مطلب تصریح می‌کند که شمار انبیاء (علیهم‌السلام) فراوان بوده است اما از تعداد آنان سخنی به میان نیآورده است. روایات، شمار پیامبران را مشخص می‌کند اما اعداد گوناگون است. در روایتی عدد ۸۰۰۰<sup>۲</sup> و در روایاتی دیگر، عدد ۱۴۴۰۰۰<sup>۳</sup> و ۳۲۰۰۰۰<sup>۴</sup> نفر، گزارش شده است. مشهورترین این دست روایات، روایات عدد ۱۲۴۰۰۰ نفر است.

## بررسی روایات عدد غیر مشهور

روایاتی که ارقام مختلف، غیر از عدد ۱۲۴۰۰۰ نفر را گزارش نموده‌اند، به اصطلاح علم حدیث، شاذ و نادر هستند چه اینکه مقابل مشهور هستند از این رو به مضمون آن عمل نمی‌شود. لازم به توجه است که دانستن تعداد پیامبران از ضروریات دین نیست بلکه آنچه در مسائل اعتقادی ضروری است، اعتقاد به نبوت عامه است و در طول تاریخ، برای هر قومی پیامبری بوده است.

۱. ن.ک: سفر خروج، ۱۲: ۳۸؛ قاموس کتاب مقدس، ذیل ماده نبی و نبیین، ص ۸۷۳۴ به نقل از:

محمدحسن قدردان قراملکی، پاسخ به شبهات کلامی، دفتر دوم: دین و نبوت، ص ۲۳۳.

۲. محمد بن حسن طوسی، الأمالی، ص ۳۹۷، ح ۸۸۰؛ محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۱۱، ص ۳۱،

ح ۲۲.

۳. محمد بن محمد مفید، الإختصاص، ص ۲۶۳؛ محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۱۶، ص ۳۵۲، ح ۳۵.

۴. همان، ص ۲۶۴؛ محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۱۱، ص ۶۰، ح ۶۸.



در خصوص برخی عددهای گوناگون باید گفت که ممکن است ناظر به ویژگی خاصی از تعداد پیامبران باشد. به طور مثال علامه مجلسی در خصوص ۸۰۰۰ نفر، می نویسد: «شاید مراد در اینجا، بزرگان و عظمای پیامبران باشند»<sup>۱</sup>.

### بررسی روایات عدد مشهور

روایات عدد ۱۲۴۰۰۰ نفر، در چهار منبع اصلی - «الخصال»<sup>۲</sup> و «معانی الأخبار»<sup>۳</sup> شیخ صدوق، «بصائر الدرجات»<sup>۴</sup> صفار و «کامل الزیارات»<sup>۵</sup> ابن قولویه - با سندهای مختلف، گزارش شده است. از جمله این روایات، روایت ابوذر از پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) است که می گوید: «قُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ كَمْ النَّبِيُّونَ؟ قَالَ: مِائَةٌ أَلْفٍ وَ أَرْبَعَةٌ وَ عِشْرُونَ أَلْفَ نَبِيٍّ. قُلْتُ: كَمْ الْمُرْسَلُونَ مِنْهُمْ؟ قَالَ: ثَلَاثُ مِائَةٍ وَ ثَلَاثَةٌ عَشْرَ جَمًّا غَفِيرًا. قُلْتُ: مَنْ كَانَ أَوَّلَ الْأَنْبِيَاءِ؟ قَالَ: آدَمُ؛ كَفْتَمَ أَي رَسُولَ خِدا (صلی الله علیه و آله) شمار پیامبران چه تعداد است؟ حضرت فرمودند: یکصد و بیست و چهار هزار پیامبر. عرض کردم: از آنها چه تعداد رسول بودند؟ فرمودند: خیلی زیاد، سیصد و سیزده نفر. عرض کردم: نخستین پیامبر که بود؟ فرمودند: آدم عَلَيْهِ السَّلَامُ»<sup>۶</sup>

۱. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۱۱، ص ۳۱.
۲. محمد بن علی صدوق، الخصال، ج ۲، ص ۶۴۱، ح ۱۸.
۳. محمد بن علی صدوق، معانی الأخبار، ص ۳۳۳، ح ۱.
۴. محمد بن حسن صفار، بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد صلی الله علیهم، ج ۱، ص ۱۲۱، ح ۱؛ محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۲۷، ص ۶، ح ۱۳.
۵. جعفر بن محمد ابن قولویه، کامل الزیارات، ص ۱۸۰، ح ۲.
۶. محمد بن علی صدوق، معانی الأخبار، ص ۳۳۳، ح ۱؛ محمد بن علی صدوق، الخصال، ج ۲، ص ۵۲۴، ح ۱۳؛ محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۱۱، ص ۳۲؛ ن.ک: محمد محمدی ری شهری، میزان الحکمه، ج ۱۲، ص ۵۷۸۸، ح ۱۹۴۹۵ - ۱۹۵۰۱.



۴ - توجه به شهرت روایت و شناخته و پذیرفته بودن آن در میان شیعیان، یکی از معیارها در هنگام تعارض اخبار است که نقش کلیدی در پذیرش یا کنار نهادن روایت دارد.

۵ - روایات شاذ (درون‌مایه آن ناشناخته و با مشهور مخالف باشد) در هنگام تعارض، به کناری نهاده می‌شود. (روایات غیر عدد ۱۲۴۰۰۰ نفر)

۶ - در روزگاران امامان علیهم‌السلام گاه کتابی را که بر ایشان عرضه می‌شد تأیید می‌کردند. از برخی از آن نگاهشته‌ها اکنون گزارش‌هایی در دست است. این گزارش‌ها نشان می‌دهد که در آن کتاب‌ها، روایاتی وجود دارد که از دید متأخران، ضعیف هستند.

۷ - منشأ اختلاف احادیث یا از جانب راوی است (مثل اخلال در نقل به معنی یا زیاده و نقیصه و ...) یا از جانب معصوم علیه‌السلام است. (بحث مصالح و تقیه در اعتقاد مشهور جمهور و ...) چه بسا روایات غیر عدد ۱۲۴۰۰۰ نفر هم این‌گونه توجیه شود.

۸ - روایت ۱۲۴۰۰۰ نفر متفرد نیست برخلاف روایات دیگر که شاذ هستند.

۹ - در نگاه رجالی فقیه و حدیث‌شناس بزرگ، آیت‌الله بروجردی (رحمه‌الله)، توثیق و تضعیف رجال سند، تنها به گفته علمای فن رجال محقق نمی‌شود (نگاه فرمولی) بلکه روش قرینه یابی (نشانه‌شناسی) را بهترین روش معرفی می‌کنند.<sup>۱</sup>

### نکته‌ای در خصوص برخورد با روایات ضعیف

در برخورد با روایتی که ممکن است در نگاه اول مورد پذیرش واقع نشود، نباید زود آن روایت را رد نمود حتی اگر سند آن ضعیف باشد، ضعیف بودن سند

۱. ن.ک: آیت‌الله بروجردی، أسانید الکافی، صص ۵۱ - ۵۲ به نقل از امین حسین پوری، حدیث ضعیف، ص ۲۸۲.

روایت به معنای جعلی بودن آن نیست. در روایات به چنین برخوردی در برابر این دست روایات که با نگاه اول رد می‌شود، هشدار داده شده است. در کتاب بصائر الدرجات، بابی تحت عنوان «باب فیمن لا یعرف الحدیث فرده» وجود دارد و در مورد کسانی است که چون معنی حدیث و روایتی را نمی‌دانند، آن را رد می‌کنند. در این باب روایتی از امام صادق علیه السلام وجود دارد که در ذیل، آورده شده است.

فردی به نام سُفیان گوید: به امام صادق علیه السلام عرض نمودم که فدایت شوم فردی از سوی شما پیش ما می‌آید و ما را به امر بزرگ و عظیمی خبر می‌دهد ولی پذیرش این مطلب برای ما گران است به نحوی که او را تکذیب می‌کنیم. امام صادق علیه السلام به او فرمودند: «أَلَيْسَ عَنِّي يَحَدِّثُكُمْ؟ آیا از سوی من برای شما سخن نمی‌گوید؟» گفتم: بلی. امام فرمودند: «فَيَقُولُ لِلَّيْلِ إِنَّهُ نَهَارٌ وَ لِلنَّهَارِ إِنَّهُ لَيْلٌ؛ آیا می‌گوید: شب روز است و روز شب؟» گفتم: خیر. امام فرمودند: «رُدُّهُ إِلَيْنَا فَإِنَّكَ إِنْ كَذَّبْتَ فَإِنَّمَا تُكذِّبُنَا؛ معنای آن حدیث را به ما بازگردان زیرا اگر آن را دروغ پنداشتی، ما را تکذیب نموده‌ای»<sup>۱</sup>.

از این رو، امام صادق علیه السلام فرمودند: «لَا تُكذِّبُوا بِحَدِيثِ أَتَاكُمْ أَحَدٌ فَإِنَّكُمْ لَا تَدْرُونَ لَعَلَّهُ مِنَ الْحَقِّ فَتُكذِّبُوا اللَّهَ فَوْقَ عَرْشِهِ؛ هرگاه کسی حدیثی را برای شما نقل کرد، آن را دروغ نشمارید؛ زیرا شما نمی‌دانید شاید آن حدیث حق باشد و شما خداوند را بر فراز عرش تکذیب نموده‌اید»<sup>۲</sup>.

بنابراین هر علمی تخصص می‌خواهد و برای قبول و رد مطلبی، باید تخصص آن علم را کسب نمود و یا از اهل آن علم پرسش نمود.

۱. محمد بن حسن صفار، بصائر الدرجات، ج ۱، ص ۵۳۷، ح ۳.

۲. همان، ص ۵۳۸، ح ۵.

### چگونگی تعداد پیامبران از زمان حضرت آدم تا خاتم (صلوات الله علیهم)

ممکن است این سؤال مطرح شود که چگونه ممکن است این تعداد پیامبر از زمان حضرت آدم عَلَيْهِ السَّلَامُ تا پیامبر خاتم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در طی هفت هزار سال<sup>۱</sup> مبعوث شده باشند؟!.

در پاسخ به این پرسش گفته می‌شود که حضور انبیاء الهی در زمان‌های مختلف بر اساس مأموریت ایشان و بر اساس مقتضیات زمانی بود؛ برخی از ایشان در زمانی به پیامبری برگزیده می‌شدند که کس دیگری جز او پیامبر نبود و گاهی هم در زمان واحدی، به چند نفر می‌رسیدند.

برخی از آیات قرآن، دلالت روشنی بر هم‌زمان بودن چند پیامبر خاص دارد<sup>۲</sup>: «إِذْ أَرْسَلْنَا إِلَيْهِمُ اثْنَيْنِ فَكَذَّبُوهُمَا فَعَزَّزْنَا بِثَالِثٍ فَقَالُوا إِنَّا إِلَيْكُمْ مُّرْسَلُونَ»<sup>۳</sup>؛ «آن زمان که ما دو نفر از رسولان را به سوی ایشان گسیل داشتیم و آن دو را تکذیب کردند پس به وسیله رسول سومی آن دو رسول را تقویت کردیم و همگی گفتند که ما فرستاده به سوی شما ایم».

در روایتی چنین گزارش شده است: «... أَنَّ بَنِي إِسْرَائِيلَ كَانُوا يَقْتُلُونَ مَا بَيْنَ طُلُوعِ الْفَجْرِ إِلَى طُلُوعِ الشَّمْسِ سَبْعِينَ نَبِيًّا ثُمَّ يَجْلِسُونَ فِي أَسْوَاقِهِمْ يَبِيعُونَ وَيَشْتَرُونَ كَأَن لَّمْ يَصْنَعُوا شَيْئًا؛ بنی اسرائیل از موقع طلوع فجر تا طلوع آفتاب تعداد هفتاد پیامبر را می‌کشتند و پس از این جنایات مشغول خرید و فروش در بازارهایشان می‌شدند گویا اصلاً مرتکب جنایتی نشده‌اند»<sup>۴</sup> از این روایت چنین استفاده می‌شود که زمان‌هایی بوده است که جمع زیادی از پیامبران در زمان واحدی، حضور داشته‌اند.

۹۳

تولوع

۱. ن.ک: سید هاشم بحرانی، البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۱۶۷، ح ۳۷۴.

۲. محمدتقی مصباح یزدی، راهنما شناسی، ص ۲۰.

۳. سوره یس، آیه ۱۳.

۴. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۴۴، ص ۳۶۵.

در «روضه کافی» چنین گزارش شده است: «وَ كَانَتْ بَنُو إِسْرَائِيلَ تَقْتُلُونَ نَبِيًّا وَ أَثْمَانِ قَائِمَانِ وَ يَقْتُلُونَ اثْنَيْنِ وَ أَرْبَعَةَ قِيَامٍ حَتَّى أَنَّهُ كَانَ رَبَّمَا قَتَلُوا فِي الْيَوْمِ الْوَاحِدِ سَبْعِينَ نَبِيًّا وَ يَقُومُ سُوقٌ قَتَلِهِمْ آخِرَ النَّهَارِ؛ وَ بنی اسرائیل چنان بودند که پیامبری را می‌کشتند و دو نفر دیگر به انتظار کشته شدن ایستاده بودند و یا دو نفر را می‌کشتند و چهار نفر دیگر ایستاده بودند تا آنجا که بسا در یک روز هفتاد پیامبر را می‌کشتند و بازار کشت و کشتارشان تا پایان روز برپا بود.»<sup>۱</sup> در یک‌زمان و مکان بودن چندین پیامبر که اغلب، به دلیل کثرت جمعیت، در شامات بوده‌اند با سطح بلوغ فکری مردم آن زمان، ارتباط مستقیم دارد.

نگاهی به تاریخ ادیان و پیامبران نشان می‌دهد که شرایع آسمانی، سیر صعودی و تکاملی داشته است. آموزه‌های دینی اعم از بُعد نظری و عملی (شریعت) در نخستین مراحل نزول آن، سطح ابتدایی داشت؛ در پرتو تکامل و سیر صعودی ادیان الهی، مخاطبان و متدینان نیز رو به تکامل و رشد داشتند و در واقع، تکامل پیام و گیرنده به هم آمیخته است به این نحو که به ازای تکامل دین آسمانی، عقول مردم نیز متکامل شده و بر شناخت و معرفت آموزه‌های دینی در سطح بالاتر توانا می‌شدند. رابطه عکس آن نیز صادق است؛ یعنی با تکامل استعدادها و ظرفیت‌های مردم، خداوند شرایع و مضامین عالیه نازل می‌کند. مردم اعصار پیامبران پیشین، آمادگی و ظرفیت لازم برای دریافت واپسین وحی و کتاب آسمانی را نداشتند و آنچه برای آنان مانند تورات و انجیل نازل می‌شد، بخشی از گوهر جاویدان حقیقت دین کامل بود. دلیل عدم بلوغ مخاطبان پیامبران پیشین، عدم صیانت و محافظت از کتاب آسمانی خودشان است.<sup>۲</sup> لذا هر قبیله و یا تعدادی از افراد، به‌عنوان مثال، یک پیامبر داشتند و قبایل کنار هم در یک منطقه

۱. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، روضه، ج ۸، ص ۱۱۷.

۲. محمدحسن قدردان قراملکی، آیین خاتم، ص ۲۰۸.



- که ده‌ها قبیله بود - دارای ده‌ها پیامبر بودند. از این رو قومی مثل بنی اسرائیل در زمان واحد، چندین پیامبر داشتند که هر کدام مربوط به قبیله‌ای و یا تعدادی از افراد بود.

بیان امام صادق علیه السلام در این باره چنین است: «الأنبياء والمرسلون على أربع طبقات، فنبى مبعوثاً في نفسه لا يعدو غيرها ونبى يرى في النوم ويسمع الصوت ولا يعاينه في اليقظة ولم يبعث إلى أحدٍ وعلية إمامٌ مثل ما كان إبراهيم على لوطٍ عليهما السلام. ونبى يرى في منامه ويسمع الصوت ويعاين الملك وقد أرسل إلى طائفة قتلوا أو كثروا كيونس قال الله ليونس (و أرسلناه إلى مائة ألفٍ أو يزيدون) قال يزيدون ثلاثين ألفاً وعلية إمامٌ و الذى يرى في نومه ويسمع الصوت ويعاين في اليقظة وهو إمامٌ مثل أولى العزم وقد كان إبراهيم عليه السلام نبياً وليس بإمام حتى قال الله (إني جاعلك للناس إماماً ...)».

پیامبران و رسولان چهار طبقه می‌باشند:

پیامبری که تنها برای خودش پیامبر است و به دیگری سرایت نمی‌کند.<sup>۱</sup>  
پیامبری که در خواب می‌بیند و صدای هاتف را می‌شنود ولی خود او را در بیداری نمی‌بیند و بر هیچ‌کس مبعوث نیست و خود او امام و پیشوایی دارد.  
چنانچه ابراهیم بر لوط علیه السلام امام بود.<sup>۲</sup>

۱. پیامبر خود بودن ممکن است یا ناظر به بیان رتبه پیامبران باشد که فردی تنها خود از وحی بهره ببرد؛ همچون فرد مجتهدی که مقلدی ندارد و تنها خود به اجتهاد خود عمل می‌کند و یا ممکن است به این معنی باشد که او در بازه زمانی خاص، با تعالی نفس خود، استعداد دریافت اخبار از معارف و احکام الهی برای مردم را پیدا می‌کند و پس از گذراندن این آمادگی، تبلیغ رسالت خود را شروع می‌کند مثل طلبه‌ای که مدتی تنها علم دین را می‌آموزد و پس از چند سال و پس از گذراندن دوره‌ای، به امر تبلیغ می‌پردازد.

۲. اکثر انبیاء، شریعت مستقل نداشتند و به شریعت پیامبر دیگر دعوت می‌کردند؛ مثل حضرت لوط در زمان حضرت ابراهیم (علیهما السلام). مراد از این مثال در روایت به جهت بیان نمونه‌ای از پیامبران مثل حضرت لوط علیه السلام است که امامی چون حضرت ابراهیم علیه السلام داشته نه اینکه حضرت لوط مبعوث به قومی نبوده است. ن.ک: سید محمد کاظم قزوینی، موسوعه الإمام الصادق علیه السلام، ج ۵، پاورقی ص ۹.

۳- پیامبری که در خواب می‌بیند و صدا را می‌شنود و فرشته را می‌بیند و به‌سوی گروهی کم یا زیاد مبعوث است مانند یونس علیه السلام، خدا درباره او فرمود: (ما او را به‌سوی صد هزار نفر بلکه بیشتر فرستادیم) مراد از بیشتر، سی هزار نفر بود و یونس نیز خود امامی داشت که حضرت موسی علیه السلام بود و او شریعت موسی را ترویج می‌کرد.

۴- پیامبری که در عالم خواب می‌بیند و صدا را می‌شنود و در بیداری می‌بیند و او امام است، مانند پیامبران اولوالعزم. ابراهیم علیه السلام در ابتدا فقط پیامبر بود و امام نبود تا آن‌که خدا فرمود: (من تو را امام مردم قرار دادم...).<sup>۱</sup>

این روایت اصناف پیامبران را بیان نمود و حوزه مأموریتشان را مشخص کرد. از این‌رو پیامبری در زمان پیامبر دیگری وجود داشت و این عدد گاه به هفتاد نفر در یک‌زمان بلکه بیشتر می‌رسید و با از دنیا رفتن آنان چه به‌صورت طبیعی و چه بر اثر کشتن، خداوند متعال، عده‌ای دیگر را مبعوث می‌کرد.



۱. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۱۷۵.

## نتیجه‌گیری

در تعداد انبیاء الهی ﷺ بین ادیان الهی و حتی در منابع اسلامی اختلاف وجود دارد. برخی تعداد انبیاء را ۸.۰۰۰ و بعضی ۱۲۴.۰۰۰ و گروهی ۱۴۴.۰۰۰ و قول چهارم ۳۲۰.۰۰۰ نفر، ذکر کرده‌اند. بر طبق نظر مشهور ۱۲۴.۰۰۰ نفر می‌باشد. روایاتی که ارقام مختلف - غیر از عدد ۱۲۴۰۰۰ نفر - را گزارش نموده‌اند، به اصطلاح علم حدیث، شاذ، نادر و مقابل مشهور هستند از این رو به مضمون آن عمل نمی‌شود. همچنین در خصوص برخی عددهای گوناگون باید گفت که ممکن است ناظر به ویژگی خاصی از تعداد پیامبران باشد به‌طور مثال در خصوص ۸.۰۰۰ نفر، نوشته‌اند: «شاید مراد در اینجا، بزرگان و عظمای پیامبران باشد».

این تعداد در فاصله زمانی میان نخستین پیامبر تا پیامبر خاتم ﷺ بر مردم فرستاده شده‌اند و در هر زمان بر اساس مقتضیات زمانی و با توجه به سطح فکری مردم، گاه چندین پیامبر در یک‌زمان بودند.

### فهرست منابع

۱. ابن اثیر، مبارک بن احمد، الكامل فی التاريخ، ج ۲، بیروت: دار المعرفه، ۱۴۲۸ ق.
۲. ابن قولویه، جعفر بن محمد، کامل الزیارات، نجف: دار المرتضویه، ۱۳۵۶ ق.
۳. بحرانی، سیده‌اشم، البرهان فی تفسیر القرآن، قم: مؤسسه بعثت، ۱۳۷۴ ش.
۴. حسین پوری، امین، حدیث ضعیف، قم: دار الحدیث، ۱۳۹۳ ش.
۵. صدوق، محمد بن علی، الخصال، قم: جامعه مدرسین، ۱۳۶۲ ش.
۶. صدوق، محمد بن علی، معانی الأخبار، قم: جامعه مدرسین، ۱۴۰۳ ق.
۷. صفار، محمد بن حسن، بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد صلی الله علیهم، ج ۲، قم: مکتبه آیه الله المرعشی النجفی، ۱۴۰۴ ق.
۸. طوسی، محمد بن حسن، الأمالی، قم: دار الثقافه، ۱۴۱۴ ق.
۹. قدردان قراملکی، محمدحسن، آیین خاتم، ج ۳، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۷ ش.
۱۰. قدردان قراملکی، محمدحسن، پاسخ به شبهات کلامی، دفتر دوم: دین و نبوت، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۷ ش.
۱۱. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۴، تهران: اسلامیه، ۱۴۰۷ ق.
۱۲. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۲، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.
۱۳. محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، ج ۴، قم: دار الحدیث، قم، ۱۳۸۳ ش.
۱۴. مصباح یزدی، محمدتقی، راهنما شناسی، ج ۶، قم: مؤسسه امام خمینی (ره)، قم، ۱۳۸۸ ش.
۱۵. مفید، محمد بن محمد، الإختصاص، قم: دار المفید، ۱۴۱۳ ق.